



دیدن صحنه های جگرسوز روز
عاشورا و اسیری برای حضرت سکینه
(س) بسیار سخت و طاقت فرسا بود،
اما سکینه (س) در کنار عمه اش، زینب
(س)، چون کوه صبور بود. او به یاد
می آورد که پدرش از او خواسته بود
صبر داشته باشد.



وقتی که همه ی مردان دلاور سپاه
امام به شهادت رسیدند، دشمن
خیمه ها را با بی رحمی آتش زد و زنان
و کودکان بی پناه را باغل و زنجیر به
عنوان اسیر جنگی به شهر شام برد.



بعد از اینکه دشمن
مجبور شد خانواده امام
حسین (ع) را بعد از واقعه ی
عاشورا آزاد کند، حضرت
سکینه (س) برای مردم
درباره ی اتفاقات کربلا
سخنرانی می کرد. حضرت
سکینه (س) شعر و ادبیات را
خوب می شناخت. می گویند
سکینه (س) شعرهایی
هم برای پدرش و ماجرای
عاشورا گفته است.